

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به مهاجرت از کشور نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز

بیژن خواجه‌نوری
مریم سروش

چکیده

در این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان در مورد مهاجرت پرداخته شده است. تحقیق حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده و نمونه مورد مطالعه ۸۹۲ نفر از جوانان شیراز بوده است. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از نظریات گیدنز، فیش‌باین و آیزن و نظریه مهاجرتی لی تدوین شده و مدل تجربی تحقیق با استفاده از آن‌ها و تحقیقات تجربی پیشین پیشنهاد گردیده است. بر اساس این چارچوب نظری مدلی برای بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به مهاجرت پیشنهاد گردید و با نرم‌افزارهای Lisrel و SPSS تحلیل شد. تحلیل مسیر مدلی پیشنهادی با استفاده از نرم‌افزار Lisrel نشان می‌دهد که متغیرهای ارزیابی فایده مهاجرت، جنسیت، هویت اجتماعی و نظر گروه مرجع (خانواده و دوستان) به‌طور مستقیم بر نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر دارند. متغیرهای میزان استفاده از رسانه‌ها، سن و سبک زندگی نیز به‌صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر گذاشته‌اند. مدل تحقیق در کل توانسته است ۴۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. در پایان پیشنهادهایی بر اساس نتایج تحقق ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: جوانان، نگرش نسبت به مهاجرت، هویت، سبک زندگی.

مقدمه

در اغلب موارد، مهاجرت یکی از رفتارهای اجتماعی انتخابی است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵) که موجب تغییراتی در ساختار جمعیتی، انتقال فرهنگی و علمی و بسیاری تفاوت‌های دیگر در جوامع جهان می‌شود. همه انواع مهاجرت اعم از داوطلبانه یا اجباری، نتایجی برای کشورهای مهاجر فرست یا مهاجر پذیر به بار می‌آورند که بسیار مهم و قابل تأمل هستند.

جوانان از سرمایه‌های انسانی مهم هر کشور بوده و موتور محرک و قوای اصلی نیروی انسانی فعال را تشکیل می‌دهند. سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان کشور عمدتاً روی این قشر از جامعه انجام می‌شود و رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، با اتکا به این قشر امکان‌پذیر است. گرچه پدیده مهاجرت در همه ادوار تاریخ سابقه داشته است، اما این نقل مکان‌ها تابع عرضه و تقاضای نیروی کار در زمان و محدود به احتیاجات هر محیط بود و صورت طبیعی و منطقی داشت و هیچ‌وقت از حد معینی تجاوز نمی‌کرد. به طوری که لطمه و زیان قابل توجهی به موطن فرستنده مهاجر وارد نمی‌آورد و از همه مهم‌تر آن که تعداد مهاجرین نسبت به جمعیت ساکن ناچیز بود و باعث وقفه در امور اجتماعی نمی‌شد، اما رفته‌رفته با پیدایش ماشین و ظهور یک سلسله اختراعات و اکتشافات که منجر به ایجاد طبقه عظیمی از افراد متخصص و دانشمند در رشته‌های مختلف گردید؛ کیفیت و کمیت این مهاجرت‌ها دستخوش تحولاتی شد که به هیچ وجه با وضع گذشته قابل قیاس نیست (شهیدزاده، ۱۳۷۰: ۱).

گسترش اقتصاد سرمایه‌داری از یک طرف و افزایش سرعت رشد علم و تکنولوژی از طرف دیگر، باعث افزایش سرعت زندگی در جهان شده و به سرعت فاصله فقیر و غنی را در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی زیاد کرده است. به همین دلیل بسیاری از انسان‌ها با امید آینده‌ای بهتر محل زندگی خود را ترک می‌کنند و راهی مناطق عمدتاً بزرگ‌تر و توسعه‌یافته‌تر می‌شوند. این وضعیت نوعی عدم تعادل را تشدید می‌کند. این شرایط در مورد ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه به خوبی قابل مشاهده است. مهاجرت در ایران را می‌توان بر اساس مرزهای سیاسی به دو دسته مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی تقسیم کرد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۸). مهاجرت‌های داخلی گرچه به نوبه خود دارای اهمیت زیادی است، اما مورد توجه مقاله حاضر نیست، بلکه مهاجرت نیروی انسانی به خارج از کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

امروزه آثار مهاجرت‌های بین‌المللی بر زندگی افراد بیشتری محسوس است و به لحاظ سیاسی و اقتصادی در کشورها و مناطق بیشتری گسترش می‌یابد، لیکن علت‌های این پدیده عمدتاً تغییر نکرده است. فقر یا عدم امنیت اقتصادی (کوتزنتسوف و سبل، ۲۰۰۶؛ الرمن، ۲۰۰۶؛ کوک و بلانگر، ۲۰۰۶) و سیاسی، عدم تساهل و مدارا، تحصیلات و اشتغال (کوک و بلانگر، ۲۰۰۶)، ستم و سرکوب به اشکال گوناگون، هرج و مرج، فاجعه‌ها و حوادث طبیعی، و کشمکش‌ها و جنگ‌ها همواره از عوامل اصلی ایجاد موج‌های مهاجرتی بوده‌اند. با این همه بیشتر این شرایط نوعاً برای آغاز گسترش ناگهانی جریان مهاجرت در مقیاسی وسیع کافی نیست.

برای آن که چنین واقعه‌ای روی دهد، قبلاً باید شرایطی محقق شده باشد (پاپادیمیتریو، ۱۳۸۰: ۱۸). بسیاری از مطالعات بر روی مهاجرت، انگیزه‌های مهاجرت را در سن، جنس و خصیصه‌های سرمایه انسانی جستجو می‌کنند که برای تبیین مهاجرت کافی نیست (کوک و بلانگر، ۲۰۰۶).

یکی از عمده‌ترین شرایط ایجادکننده مهاجرت، نگرش مثبت نسبت به آن یا در مرحله بالاتر ایجاد شوق به مهاجرت در میان نیروهای فعال جامعه است که می‌تواند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیادی داشته باشد. بنابراین احساس و ادراک افراد از وضعیتی که در آن زندگی می‌کنند، به‌علاوه اطلاعات و تصور افراد از مجموعه شرایط موجود در مقصد مهاجرت، می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تمایل آن‌ها به مهاجرت داشته باشد. پدیده مهاجرت از یک دیدگاه نیز مثبت و فرصت‌آفرین تلقی شده است. هر انسانی در جستجوی دستیابی به زندگی بهتر است و کمبود و یا فقدان شرایط لازم برای آن برخی را وامی‌دارد که شرایط لازم برای بهبود زندگی و پیشرفت را در جای دیگر جستجو کنند (رشنو، ۱۳۸۲: ۲۲۸). سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که «نگرش جوانان به مهاجرت از کشور چگونه است و چه عواملی بر آن مؤثرند؟» بدیهی است که برخی از این عوامل کلان و ساختاری و برخی زمینه‌ای و محیطی و برخی شناختی و عاطفی خواهند بود.

از طرفی اکثر تحقیقات انجام‌شده در جهان و نظریه‌پردازی‌های موجود، ناظر به کشورهای مهاجرپذیر بوده است و عوامل موجود در کشورهای مهاجرفرست عمدتاً اقتصادی مطرح شده‌اند. از طرف دیگر در کشورهای مهاجرفرست مانند کشور ما، بیشتر به مهاجرت نخبگان توجه شده و تا آنجایی که نگارندگان جستجو کرده‌اند، تحقیقی که کلیه اقشار جوانان را در نظر بگیرد و میزان تمایل آن‌ها را به مهاجرت از کشور اندازه‌گیری کند، انجام نشده است.

مروری بر پیشینه تحقیق

تحقیقات تجربی داخلی و خارج از کشور در مورد مهاجرت می‌تواند محققان را در تبیین چارچوب نظری تحقیق یاری کند، به همین دلیل نیز تحقیقات انجام‌شده داخلی و خارج ایران بررسی شده‌اند. تحقیقات انجام‌شده در ایران بیشتر ناظر به مهاجرت نخبگان و با به‌کارگیری از چارچوب نظری جاذبه-دافعه و عمدتاً با استفاده از مدل مهاجرتی لی انجام شده است که با توجه به افراد تحصیلکرده و دانشگاهی مسأله مهاجرت را بررسی کرده‌اند.

رشنو (۱۳۸۳) روی سه گروه از متخصصان مقیم در داخل کشور، متخصصان عازم به خارج از کشور و متخصصان مقیم در خارج از کشور پژوهشی انجام داده است و طی این تحقیق انگیزه‌های مهاجرت و دلایل اقامت در خارج از کشور را با استفاده از چارچوب نظری جاذبه - دافعه مورد بررسی قرار داده است و فهرستی از عوامل جاذبه و دافعه در مورد این گروه را ارائه کرده است. طیبی‌نیا (۱۳۸۱) نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز را درباره مهاجرت مغزها جویا شده و نتیجه گرفته است که متغیرهای مربوط به عوامل دافعه در کشور مبدأ و متغیرهای سیاسی بیشترین میزان واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند، اما در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره عوامل جاذبه در کشور مقصد و عوامل مداخله‌گر تأثیر بیشتری در معادله نهایی داشته‌اند. در تحقیق دیگری با عنوان «گرایش دانشجویان نسبت به مهاجرت به خارج از کشور» شعبانلو (۱۳۸۰) عوامل مؤثر بر این گرایش را بررسی کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شرایط فرهنگی داخل و خارج از کشور در شرایط سیاسی و اقتصادی آن رابطه معناداری با گرایش به مهاجرت دارد و ارزیابی برداشت افراد از این شرایط اهمیت خود را نشان داده است، به عبارت دیگر هر چقدر افراد شرایط داخل را نامطلوب‌تر ارزیابی کرده‌اند، احتمال گرایش آنان به مهاجرت بیشتر است. علاوه بر این ویژگی‌ها و نگرش‌هایی همچون پیشرفت، وابستگی به خانواده و تعلقات دینی و ملی در میل به مهاجرت تأثیر گذار بوده است.

تحقیقات انجام شده در خارج از کشور بیشتر در کشورهای مهاجرفرست و روی خود مهاجران انجام شده است. تحقیقاتی که در حوزه کلان اقتصادی انجام شده است، تأثیر مهاجرت را روی فقر و درآمد خانواده و کشور مهاجرفرست و مهاجر پذیر بررسی کرده‌اند (آدامز و پیچ ۲۰۰۵؛ چنگ و یانگ ۱۹۹۸). در سطح خردتر نیز تحقیق روی مهاجرت خانواده (نیووالاین، ۲۰۰۴)، تأثیر جنسیت و تحصیلات روی مهاجرت (فری و پور کایاستا، ۲۰۰۰؛ کیریچ، ۱۹۹۶)، کانال‌های مهاجرتی و مهاجرت نخبگان (جامر، ۱۹۹۷؛ گیرسیک، ۱۹۹۸؛ چنگ و یانگ، ۱۹۹۸؛ فیندلی و لی، ۱۹۹۸)، هویت مهاجران (هیفل و همکارانش، ۲۰۰۳) و دنیای اجتماعی آن‌ها (سوارز و تودوروا، ۲۰۰۳) انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

نیووالاین (۲۰۰۴) با بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت خانوادگی، بر این باور است که علاوه بر مشخصات خاص فردی مانند سن، تحصیلات، مهارت‌های شغلی، درآمد، تجربه بیکاری و سابقه مهاجرت، روابط خانوادگی نیز اهمیت دارند. یکی از موارد بااهمیت موقعیت خانواده از لحاظ دوره زندگی^۱ است. در کل

۱. Family Life - Cycle

می توان گفت که دوره زندگی خانواده و تحصیلات شوهر که در مهاجرت با فاصله طولانی اهمیت دارد، ارتقای کاری شوهر، درآمد بالای خانواده، شاغل بودن زن که اثر کاهشی در مهاجرت دارد، تجربه قبلی مهاجرت و مالکیت خانه و جمعیت بالای شهر محل سکونت نیز احتمال مهاجرت را کاهش می دهد (نیوالاین، ۲۰۰۴: ۱۶۹-۱۵۹).

هیفل و همکارانش (۲۰۰۳) با بررسی مفهوم جوانی و زندگی جوانان در اروپای شرقی، اظهار داشته اند که مهاجرت می تواند موضوع یکی از انتخاب های جوانی برای تشکیل هویت و گذار به بزرگسالی مورد توجه قرار گیرد. مهاجرت عملاً راهی برای کاهش فشارهای مختلفی است که در این دوره وجود دارد. کشف دنیا های جدید، تجربیات متنوع و دستیابی به چشم انداز و آینده ای روشن و در برخی موارد انگیزه های اقتصادی نظیر دستیابی به مشاغل و رهایی از تنگنا های مادی از جمله انگیزه های عمده مهاجرت در این سن می باشد. به باور کیریج^۱ (۱۹۹۶) کسانی که شغل های تخصصی دارند و افرادی که شغلشان را تغییر داده اند، بیشتر مهاجرت کرده اند. کوک و بلانگر (۲۰۰۶) در مطالعه خود بر روی خشونت خانوادگی و تأثیر آن بر روی مهاجرت زنان، سرمایه انسانی و تعامل آن با فرصت های در مکان های گوناگون تأکید کرده اند. به نظر آن ها انگیزه های مهاجرت از این خصیصه قابل استنباط است.

چارچوب نظری تحقیق

موضوع مهاجرت در رشته های مختلف مشترک است. رفتار مکانی و فضایی مهاجرت نقطه تلاقی جنبه های اقتصادی، جامعه شناختی، روانشناسی، جمعیت نگاری، انسان شناسی و... است. تصمیم به مهاجرت یک عمل ذهنی است. آنچه اهمیت دارد این است که اعضای جمع بی توجه به واقعیات عینی ساخت فرصت ها، درباره این امر چه احساسی دارند. آمادگی برای مهاجرت بیشتر تابع واقعیت های ادراکی است تا فی نفسه پاسخی به شرایط ساختاری. ولی آمادگی برای مهاجرت، به تنهایی موجب مهاجرت نمی شود، مگر آن که شرایط دیگری نیز وجود داشته باشد. برای مثال دسترسی به مقصدهای احتمالی و خصوصیات آن ها نیز باید مطمئن نظر قرار بگیرد (منگالام، ۱۳۶۸: ۳۲). اما در این میان، ارزش ها در فرایند تعیین اولویت ها نقش مهمی ایفا می کنند. در واقع وقتی فرد یا جمع نتواند به وسایل حصول هدف های با ارزش در داخل سازمان اجتماعی

۳. Kirieg

خود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی وجود دارد، در آن صورت مهاجرت می‌کند (رشنو، ۱۳۸۲: ۵۵؛ هانتر، ۲۰۰۵).

سؤال اصلی جامعه‌شناسی درباره مهاجرت این است که چرا مهاجرت اتفاق می‌افتد و چطور در طول زمان ادامه می‌یابد؟ اکثر جامعه‌شناسان بر مقصد مهاجرت یا جامعه مهاجرپذیر تمرکز داشته‌اند. اکثر جامعه‌شناسان به علل مهاجرت علاقمندند و به عواملی مانند سرمایه اجتماعی، بازار کار و برخی متغیرهای نهادی و ساختاری اشاره کرده‌اند (برتل و هلیفیلد، ۲۰۰۰: ۴). جمعیت‌شناسان به ماهیت تغییرات جمعیتی بر اثر مهاجرت توجه دارند. آن‌ها به مدل‌های پیش‌بینی‌کننده‌ای روی آورده‌اند که احتمال مهاجرت و زمان آن را پیش‌بینی کنند. اقتصاددانان نیز مدل‌های پیش‌بینی‌کننده می‌سازند. سؤال اساسی این است که مهاجران تحت چه شرایطی (با توجه به سرمایه و بازار کار) مهاجرت را انتخاب می‌کنند؟ و این سؤال پیش‌فرض کلی‌تر و اساسی‌تری را که پایه تمام نظریات اقتصادی مهاجرت است، نشان می‌دهد، یعنی فرد انسان به‌طور عقلانی و برای حداکثر کردن سود خود عمل می‌کند، اما به دلیل این انتقاد که فقط عوامل اقتصادی باعث مهاجرت نمی‌شوند، اقتصاددانان نیز به بسترهای فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و تشابهاتی با جامعه‌شناسان یافته‌اند (همو: همان‌جا).

به باور هوگو، سه رویکرد عمده در تبیین مسأله مهاجرت عبارتند از نظریه اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک یا رویکرد موازنه و تعادل اقتصادی، نظریه‌های ساختارگرایانه تاریخی و رویکرد سیستمی (کاستلز و میلر، ۱۹۹۳: ۲۰). نظریات دسته اول هم دیدگاه کلان‌نگر و هم خردنگر دارند. نظریات اقتصاد کلان به ساختار اقتصادی بازار کار و عرضه و تقاضای نیروی کار در مقیاس ملی و بین‌المللی توجه می‌کند، درحالی‌که نظریات اقتصاد خرد به فرایندهای تصمیم‌گیری و محاسبات عقلانی کنشگران توجه نشان می‌دهد. نظریات ساختارگرایانه تاریخی نه تنها رویکردی کلان‌نگر دارند، بلکه به تاریخ مهاجرت و روند ایجاد عوامل مهاجرتی در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع اهمیت می‌دهند. برخی نظریات جامعه‌شناسی که اکثراً در سنت انتقادی نظریه پردازی کرده‌اند، با تکیه بر جوامع مهاجرپذیر در این سنت نظری حرکت می‌کنند. رویکرد سیستمی در پاسخ به انتقادات مطرح شده از دو رویکرد قبلی به‌وجود آمده است و کوشش می‌کند این دیدگاه‌ها را در یک چارچوب نظری به هم پیوند داده و بر عامل خاصی (مثلاً عامل اقتصادی) زیاده از حد تکیه نکند، بلکه مهاجرت را پدیده‌ای در یک سیستم چندوجهی در نظر بگیرد. در سطح خرد به عواملی توجه می‌شود که افراد مهاجر را مجبور به ترک محل زندگی خود می‌کند یا این که مهاجران چرا و چگونه تصمیم

می گیرند که مهاجرت کنند. در سطح کلان و میانه به دنبال توضیح قاعده‌مندی‌های شکل گرفته در فرایند مهاجرت به صورت شرایط اولیه اقتصادی و اجتماعی در مناطق مبدأ و مقصد مهاجرت هستیم و تأثیر مهاجرت را بر فرایندهای کلان به‌عنوان تغییراتی که بر الگو، سرعت و فرایند توسعه تأثیر دارد، بررسی می‌کنیم (پارنول، ۱۹۹۳: ۷۲).

سه رهیافت نظری عمده برای تبیین مهاجرت در جامعه‌شناسی وجود دارد که رهیافت‌های کارکردی، ساختاری و انسجامی نامیده می‌شوند. رهیافت کارکردی بر فرایندهای اقتصاد خرد به‌خصوص فرایندهای تصمیم‌سازی فردی تأکید دارند و یک رهیافت خرد نگر محسوب می‌شود. برعکس رهیافت‌های ساختاری بر فرایندهای کلان تمرکز می‌کنند که نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی ایجاد می‌کنند و فرصت‌های زندگی فردی را محدود می‌کنند. رهیافت‌های انسجامی از حل مشکلات نظری دو رهیافت قبل ایجاد شده است و سعی دارد این دو دیدگاه را با یکدیگر آشتی دهد و بر مفاهیم حداقل کردن ریسک، اتصالات سیاسی و اقتصادی بین مکان‌های مهاجرت، کانال‌های مهاجرتی و شبکه اجتماعی میانجی تأکید کرده است (کوزر، ۱۹۹۷: ۵۹۳).

نظریات اقتصادی درباره پیامدهای مهاجرت نیز تصویر مثبتی ایجاد کرده‌اند. پترسون بر این باور است که انسان‌ها به خاطر فشارهای محیطی، سیاسی و مهم‌تر از همه اقتصادی برای کسب ایمنی و سلامتی و برای بهبود زندگی از مناطق کمتر توسعه یافته به طرف مناطق توسعه یافته حرکت می‌کنند (هاتر، ۲۰۰۵). نظریات کارکردی نیز دیدگاهی نزدیک به نظریات اقتصادی دارند. در رابطه با علت‌های مهاجرت، کارکردگرایان فرضشان این است که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام اجتماعی آموخته می‌شوند. کنشگران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند، چون خصایص ساختی نظام‌های اجتماعی و کنشگران هرگز در طول زمان ایستا نیستند، لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بیافتد. درک ناهماهنگی‌های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخصی جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی و برقراری مجدد تعادل در جامعه می‌گردد. از این جهت مهاجرت از یک طرف مکانیسم تطابق شخص با تغییرات ایجادشده تبدیل می‌گردد و از طرف دیگر تعادل از دست رفته را به جامعه بازمی‌گرداند (لهسای زاده، ۱۳۶۸: ۱۲-۱۳).

یکی از نظریاتی که در سنت نوسازی ارائه شده و بیشتر به علت مهاجرت می‌پردازد، نظریه‌های «جاذبه-دافعه» هستند. در این دیدگاه‌ها علت‌های مهاجرت را در ترکیب عوامل دافعه که مردم را تشویق به ترک کشور خود می‌کند و عوامل جاذبه که آن‌ها را به کشورهای خاصی جذب می‌کند، می‌دانند. در نظریه‌های ساختی تاریخی، فرایندهای کلان مانند توسعه سرمایه‌داری، سیستم‌های استعماری و جهانی شدن را که جریان‌های مهاجرت را شکل می‌دهند و آن‌ها را هدایت می‌کنند، در نظر می‌گیرند. نظریات جاذبه-دافعه هنوز هم برای توضیح این که چرا مردم مهاجرت می‌کنند و چه کسانی بیشتر احتمال دارد که مهاجرت کنند، دارای امتیازات زیادی است، اما چون در دیدگاه نوسازی جا می‌گیرد، نقایص مدل توسعه خطی علاقه محققان را به رهیافت‌های ساختی - تاریخی معطوف کرده است.

این رهیافت‌ها توجهات را از انگیزه‌ها و پذیرفته‌های فرد مهاجر یا خانواده او در فرایندهای سطح کلان که جابجایی جمعیت را شکل می‌دهد و نگه می‌دارد، تغییر داده است (برتل، ۲۰۰۰: ۱۰۳)، اما یکی از انتقاداتی که به این تفاسیر می‌شود، این است که آن‌ها مهاجرت را پاسخی انفعالی به یک‌سری محرک‌ها می‌دانند. مهاجران کوشگران منفعلی هستند که فقط کنش‌هایی عکس‌العملی در مقابل سیستم سرمایه‌داری جهانی از خود بروز می‌دهند. همچنین آن‌ها مناطق مبدأ مهاجرت را ناکامل و ناقص می‌دانند، همان‌طور که وقتی مهاجرت را یک فرایند تصمیم‌گیری در سطح فردی یا خانوادگی بدانیم، ممکن است این امر باعث شود که یک موقعیت پیچیده را بسیار ساده کنیم. تأثیر عوامل و شرایط کلان ساختی روی افراد یکسان نیست و نمی‌توان انتظار داشت که همه افراد به محرک‌های متفاوت ساختی و توسعه‌ای یکسان پاسخ دهند، بلکه هر یک از متغیرهای موجود ممکن است یک تأثیر خاص، نه فقط روی این که آیا فرد تصمیم به مهاجرت می‌گیرد یا خیر، بلکه روی نوع مهاجرتی که مورد نظر قرار می‌گیرد، بگذارد (پارنول، ۱۹۹۳: ۹۶-۹۵؛ برتل، ۲۰۰۰: ۱۰۴). بنابراین این رهیافت تبیین ضعیفی درباره این که چرا برخی مردم ترجیح می‌دهند مهاجرت نکنند، در حالی که با همان شرایطی روبرو هستند که مهاجران با آن روبرو بوده‌اند، ارائه می‌کند. وجود عدم تعادل ساختی که در نظریات کارکردگرایی مطرح شده است، به سادگی و به خودی خود دلیل کافی برای اتفاق افتادن مهاجرت ارائه نمی‌کند. برای این امر، عدم تعادل باید مستقیماً در زندگی روزانه مردم تأثیر بگذارد و آن‌ها باید بخواهند خود را در معرض فرصت‌ها و پاداش‌هایی قرار دهند که مهاجرت علی‌رغم هزینه‌هایی که دارد، حاوی آن است (پارنول، ۱۹۹۳: ۷۶).

نظریه‌های مهاجرت جهان‌شمول و قادر به تبیین انواع مهاجرت‌ها نیست. شکل و ماهیت مهاجرت‌ها در کنار اثرپذیری آن‌ها از ویژگی‌های فردی، محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دامنه عملکرد نظریه‌های مهاجرتی را تقلیل داده و آن‌ها را به ابزارهایی برای درک بهتر ابعاد گوناگون مهاجرت محدود کرده است. از این نظر، بی‌تردید نگرش‌های اقتصادی جایگاهی رفیع دارد، اما در کنار آن نگرش‌های اجتماعی، سیاسی و نگرش‌های جامع و سیستمی نیز به هیچ عنوان نباید مورد غفلت واقع شوند. در پژوهش حاضر، مسئله اصلی حول ارزیابی نگرش جوانان نسبت به مهاجرت است. از آن‌جا که جامعه مورد مطالعه، جوانانی هستند که هنوز مهاجرت نکرده‌اند، باید نظریه‌ای مورد استفاده قرار بگیرد که شرایط قبل از مهاجرت در نظر گرفته شود به‌علاوه چون بحث نگرش و ارزیابی فردی مطرح است، باید چارچوب مفهومی نظریه در سطح خرد و حداکثر در سطح میانه باشد تا بتواند ملاحظات فردی را بهتر تبیین نماید. پایه‌های نظری تحقیق حاضر باید نگرش جوانان نسبت به مهاجرت را به توجه به شرایط دوران جوانی و دیدگاه‌های مرتبط با آن مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به این که جامعه مورد مطالعه در این تحقیق را جوانان تشکیل می‌دهند، به نظر می‌رسد برای درک بهتر موضوع باید درباره مختصات جوانی و موقعیت آن در جامعه مدرن همچنین مفهوم نسل و شکاف نسلی که نگرش‌های جدیدی را در جامعه ایجاد کرده است (نگرش جدید نسبت به مهاجرت در میان جوانان نیز یکی از این نگرش‌ها است)، بحثی صورت گیرد.

جامعه‌شناسی بر خلاف دیگر علوم در حوزه علوم اجتماعی، از مفهوم نسل برای بررسی تغییرات یا تضادهای اجتماعی استفاده می‌کند و به همین دلیل برای تعریف آن شاخص‌های اجتماعی یا تاریخی به کار می‌برد. گرچه تقسیم‌بندی سنی نقش مهمی در تعریف نسل بازی می‌کند (مارشال، ۱۹۹۸)، اما در جامعه‌شناسی، یک نسل گروهی است که به دلیل تجربه مشترک اجتماعی شکل می‌گیرد و از نسل قبل و بعد از خود متفاوت است. جوامع مدرن بسیار پیچیده‌تر از جوامع سنتی هستند. در این جوامع نقش‌های درون خانواده لزوماً با سیستم بزرگ‌تر اجتماعی همخوانی ندارد. به همین دلیل است که گروه‌های همسال یا افرادی که یک نسل در نظر گرفته می‌شوند، برای برآورده کردن نیاز افراد برای یادگیری و آمادگی برای ایفای نقش‌هایی که دارای معیارهای اکتسابی و عام هستند، بسیار اهمیت می‌یابد (پیلکینگتون، ۱۹۹۴: ۱۵-۱۴).

در سال ۱۹۵۹ مارک آبرامز جوانان را به عنوان یک گروه مصرف کننده^۱ تعریف کرد و فرهنگ جوانی را به صورت فراغت و کالاهای مربوط به آن تعریف نمود. پس از جنگ جهانی دوم صنایع فرهنگی بر طبق این دیدگاه کالاهای فرهنگی را در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری تبدیل به تولیدات عام و یک شکل ساخت و با همکاری رسانه‌ها نوعی فرهنگ توده‌ای برای جوانان ایجاد کرد که مرزهای طبقاتی را درمی‌نوردید (فریت، ۱۹۸۶: ۹). وقتی که تولیدات فرهنگ توده‌ای از طریق رسانه‌های فراگیر در جامعه پخش شد، الگوهای فرهنگی تمایل به یکنواختی پیدا کردند. این تمایلات در ارتباط با شرایط اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌شوند و ماهیت رسانه‌ای نیز به این هماهنگی کمک می‌کند. رسانه‌ها ارزش‌های مختلف را در سراسر جامعه پخش می‌کنند. سبک‌های مختلف زندگی به آسانی به هر کس که تمایل داشته باشد، عرضه می‌شوند و تمایزات فرهنگی کم‌رنگ‌تر می‌شوند (سروش، ۱۳۸۲: ۱۱۶-۱۱۵).

سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آنچه را که مردم انجام می‌دهند، چرایی آن و معنایی را که برای آن‌ها یا دیگران دارد، ادراک کنیم. سبک‌های زندگی به معنی خاص آن، بخشی از زندگی اجتماعی روزمره جهان‌نویین هستند. هر سبک و منش راهی برای استفاده از مکان‌ها و کالاهای خاص است که گرچه از مشخصات یک گروه محسوب می‌شود، اما کل تجربه اجتماعی آن‌ها را تشکیل نمی‌دهد و فقط در متن و زمینه‌های خاص قابل درک است (چنی، ۱۳۷۶: ۱۱۲-۱۰۸). با توجه به این مطالب، لزوم در نظر گرفتن آزادی انتخاب از میان گزینه‌های متعدد با توجه به مفهوم هویت در جهان مدرن آن‌گونه که گیدنز آن را مطرح می‌کند، به خوبی مشخص شده است. از نظر گیدنز، در هر نوع جامعه مابعد سستی که تحت تأثیر نظام‌های مجرد به طرز بازتابی سازمان یافته باشد و به علاوه با تنظیم مجدد زمان و فضا امور محلی را در ردیف امور جهانی قرار داده باشد، «خود» الزاماً دگرگونی ژرفی را از سر می‌گذراند. در سطح خود، یکی از مؤلفه‌های اساسی فعالیت روزمره، همان انتخاب‌هایی است که به طور عادی به عمل می‌آوریم.

روشن است که هیچ فرهنگی، انتخاب را به طور کلی در امور روزمره حذف نمی‌کند و همه سنت‌ها در حقیقت انتخاب‌هایی میان انبوهی از الگوهای رفتاری ممکن هستند. تجدد فرد را رودرروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیتی غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل بیاورد، یاری دهد. این امر پیامدهای گوناگونی به دنبال دارد.

یکی از این پیامدها مربوط می‌شود به اهمیت یافتن شیوه‌زندگی و اجتناب ناپذیر بودن آن برای فرد عامل (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹). به عقیده گیدنز این انتخاب‌ها تصادفی نیستند و الگویی را پدید می‌آورند که راهنمایی برای کش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور به تصمیم‌گیری آگاهانه باشد، می‌رهاند. هر سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵). در زندگی مدرن افراد دارای یک من کلی، مرکزی، پایدار و کامل نیستند و یک خود عقلانی و مستقل ندارند، بلکه خود، به صورتی بخش‌بخش شده و از هویت‌های چندگانه‌ای در ارتباط با دنیای متفاوت اجتماعی که در آن ساکن هستیم، در یک موقعیت خاص ذهنی با ترتیب خاصی از هویت‌های متفاوت تشکیل شده است. در این موقعیت‌ها افراد متفاوت سبک‌های یکسانی را انتخاب می‌کنند؛ زیرا ذهن افراد جدا افتاده نیست، بلکه به لحاظ اجتماعی ایجاد شده و مفهوم خود را به صورت اجتماعی به دست می‌آورد، پس دارای مشترکاتی با دیگر اعضای جامعه است (رایمر، ۱۹۹۸: ۱۳۰-۱۲۹). این مطلب به معنای اصالت تجارب اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی است که یک فرایند دو طرفه است. همچنین به معنای بازتابی بودن هویت‌ها در جامعه جدید است. هویت چیزی نیست که از طریق جامعه‌پذیری در دوران کودکی ایجاد شده باشد و تغییر نکند، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۸۲).

باقی ماندن و ثبات این هویت نیز به توانایی شخص در ادامه ایجاد این تغییر و ارتقای آن به صورت یک جامعیت در ذهن بستگی دارد. هویت در جریان نوعی ارتباط بین محیط خارجی زندگی شامل لباس‌ها، انسان‌های دیگر، اعمال مذهبی در خانه، دوستان، منطقه زندگی، شغل و تعریف داخلی و شخصی فرد از خودش ایجاد می‌شود. بنابراین گروه‌های مرجع در ایجاد سبک زندگی مؤثرند. یکی از راه‌های آزمون تأثیر گروه‌های مرجع، بررسی شبکه روابط و سرمایه اجتماعی افراد است. سرمایه اجتماعی عبارت است از خصایصی از زندگی اجتماعی (شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) که کنشگران را قادر می‌سازند تا همراه هم به شکل مؤثری برای دنبال کردن اهداف مشترک عمل کنند. خلاصه این که سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای اجتماعی^۱ و هنجارهای ملازم با آن است. با این تعریف، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سبک زندگی بیشتر معطوف به مطالعه موقعیت فرد در شبکه اجتماعی و روابط او در این شبکه‌ها است. داشتن سبک زندگی

۱. Social Connections

مشترک به معنای مشارکت افراد در فعالیت‌های مشابه و در محدوده فضایی و زمانی مشترک است، از همین رو احتمال ایجاد پیوندهای ضعیف و قوی اجتماعی در حین انجام این فعالیت‌ها وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۲). سرمایه اجتماعی در اختیار فرد ملازم با در اختیار داشتن نوعی سرمایه فرهنگی است که در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شود. این سرمایه به نوعی در ارتباط با گروه مرجع فرد نیز قرار می‌گیرد. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌دانست. سرمایه فرهنگی از طریق فردی-ذهنی سبب گرایش افراد به سبک زندگی خاصی می‌شود (همو، ۱۰۱-۱۰۰).

هویت‌یابی یکی از مسائل مهم دوران جوانی است و در سبک‌های مورد استفاده توسط جوانان به خوبی نمایان شده است. دوره جوانی زمانی است که انسان با انرژی و حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است. جوان باید نقطه اتکایی برای پیوند با خود، جنس مقابل و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط اطراف بیابد. فرد در جامعه معاصر می‌بایست بین هویت فردی و اجتماعی خود تعادل حاصل کند. در مرحله هویت‌سازی شاهد نگرش‌ها و شیوه‌های رفتاری متضاد در بین جوانان هستیم. آنان از نشانه‌ها و سمبل‌های اجتماعی طوری استفاده می‌کنند که هویت متمایز آن‌ها را در جامعه نشان دهد. خرده فرهنگ‌های جوانی از طریق ابداعات سبک به جوانان کمک می‌کنند که هویتی را شکل دهند و چون سازوکارهای این فرایند در بزرگسالی به پایان می‌رسد، سعی دارند در این دوره حداکثر تلاش خود را به کار برند (گرات، ۱۹۹۷).

در ایران پس از انقلاب مسأله جوانان به‌عنوان یک معضل اجتماعی در سال‌های پس از جنگ تحمیلی برجسته شد. اگر از دیدگاه نسلی به جوانان ایران بنگریم، بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران سه نسل را در دوران ۲۵ ساله پس از انقلاب تشخیص خواهیم داد. نسل اول جوانان که در دهه‌ی ۱۳۳۰ و نیمه دهه ۱۳۴۰ به دنیا آمده بودند و انقلاب را به ثمر رسانیدند و صاحب و وارث مدیریت کشور شدند و اکنون دوران میان‌سالگی خود را می‌گذرانند. نسل دوم نسلی است که در سال‌های دهه‌ی ۱۳۴۰ و نیمه ۱۳۵۰ به دنیا آمده بودند، انقلاب را در دوران کودکی و نوجوانی خود دیده‌اند، سال‌های جنگ را تجربه کردند و احیاناً در آن شرکت داشتند. نسل سوم نسلی است که در سال‌های دهه‌ی ۶۰ به دنیا آمده و در دوران بازسازی پس از جنگ بزرگ شده و ارزش‌های آن را درونی کرده‌اند. نسل سوم در شرایطی جامعه‌پذیر شدند که با جامعه‌پذیری نسل دیروز متفاوت است. نسل امروز، نسل ماهواره و ارتباط گسترده و استفاده از اینترنت است. چیزی که در فرایند

جامعه‌پذیری نسل اول و دوم جامعه پس از انقلاب نبوده است. بنابراین، الگو و سبک زندگی متفاوتی ایجاد شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۳).

تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری زیادی بین این نسل و نسل‌های قبل از آن به‌وجود آمده است، به‌طوری‌که با وجود زندگی در یک فضای فرهنگی، اطلاعات و گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی ایجاد شده است. به بیان دیگر، شکاف نسلی قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. وسایل ارتباط جمعی بین‌المللی مانند ماهواره، اینترنت و ویدئو در روند جامعه‌پذیری این جوانان حضوری فعال داشتند و این مسأله باعث ایجاد خرده‌فرهنگ‌هایی در میان آنان شده که بعضاً مشابه انواع غربی آن است و سبک‌های زندگی غربی را رواج بیشتری داده است. این سبک‌های جدید زندگی که شباهت کمی به سبک زندگی سنتی گذشته دارد، روی انتخاب‌های روزمره این نسل تأثیر زیادی داشته است و از آن‌جا که جامعه جدید مشحون از این انتخاب‌ها است، هویت اجتماعی جوانان را متفاوت از نسل قبل از خودش شکل داده است. هویت اجتماعی این جوانان که از رهگذر انتخاب‌های آن‌ها شکل گرفته، تحت تأثیر رسانه‌های مرجع بین‌المللی و جهانی شکل یافته است و تصویری از دنیای اجتماعی و جهانی ارایه می‌کند که به‌صورت بازتابی بر نگرش‌ها و ارزش‌ها و در کل هویت آن‌ها تأثیری غیر قابل انکار دارد. آن‌ها دنیایی را از طریق رسانه‌ها مشاهده می‌کنند که با وضعیتی که در آن زندگی می‌کنند، تفاوت‌های زیادی دارد. آن‌ها از این بازار بخش‌هایی را اقتباس می‌کنند که با ویژگی‌های بومی آن‌ها سازگار باشد و ترکیبات و پیوندهای جدیدی را به‌وجود می‌آورند و نوعی چهل‌تکه‌سازی فرهنگی از سوی این کاربران فعال به‌وجود می‌آید. آن‌چه در حال رخ دادن است، عبارت است از تفکیک هویت‌های مختلف افراد و از این طریق پاسخ انعطاف‌پذیر به متقاضیان فرهنگی و اجتماعی در حال تحول (شهابی، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۲).

از جمله تفاوت‌های دانشی و گرایشی متفاوت نسل جوان و نسل قبل از آن، می‌توان به تفاوت در نگرش‌ها اشاره کرد. نگرش‌ها از آن‌جا که مقدمه رفتار محسوب می‌شوند، اهمیت زیادی یافته‌اند. فیش‌باین و آیزن معتقدند که ایجاد قصد و نیت، خود تابع دو متغیر دیگر است: نگرش نسبت به آن و هنجار ذهنی. مورد اول یک موضوع فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است و متغیر دوم منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری

احساس و ادراک می‌کند. میزان تأثیر این متغیرها در به‌وجود آمدن نیت همیشه یکسان نیست و میزان تأثیر به شرایط فرد و جامعه آماری بستگی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۹؛ از کمپ و شولتر، ۲۰۰۵: ۱۱).

از متغیرهای موجود در مدل فیش‌باین و آیزن متغیر، ارزیابی فایده و هنجار ذهنی مد نظر است. در مورد مسئله مهاجرت، ارزیابی فایده‌های مهاجرت برای فرد نیز در نظریه لی به صورت فایده‌های مهاجرت که در قالب درک جاذبه‌های مقصد مهاجرت و دوری از عوامل دافعه در مبدأ مهاجرت موجود است، در نظر گرفته شده است. ساپ و هارود در کنار متغیرهای نظریه فیش‌باین و آیزن متغیر دیگری را نیز به نام پذیرش اجتماعی^۱ در نظر گرفتند. آن‌ها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت مؤثر است. به این منظور آن‌ها به نظریه گروه مرجع رجوع می‌کنند و آن را گروهی می‌دانند که نقش یک چارچوب مرجع را ایفا کرده و آن را گروهی می‌داند که عقاید یک سیستم اجتماعی وسیع‌تر را منعکس می‌کند. این گروه یک چارچوب ارزشیابی^۲ را به‌وجود می‌آورد که بر اساس آن اعضاء سیستم اجتماعی یا گروه، خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می‌نمایند. بنابراین هر آنچه که در این گروه‌ها به عنوان یک مقیاس ارزشی گروه جایافتد. بر روی قضاوت و ارزشیابی افراد نسبت به خودشان (هویت) و هر موضوع دیگری (مانند مهاجرت) تأثیر می‌گذارد. آن‌ها برای اندازه‌گیری این متغیر، نظر والدین (خانواده) و دوستان را انتخاب کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۲). این منظر در مورد گروه‌های مرجع با جامعه‌شناسی جوانی و نظریه گیدنز نیز همخوانی دارد. در تحقیق حاضر نیز نظر گروه مرجع با توجه به همین دو گروه مورد توجه قرار گرفته است.

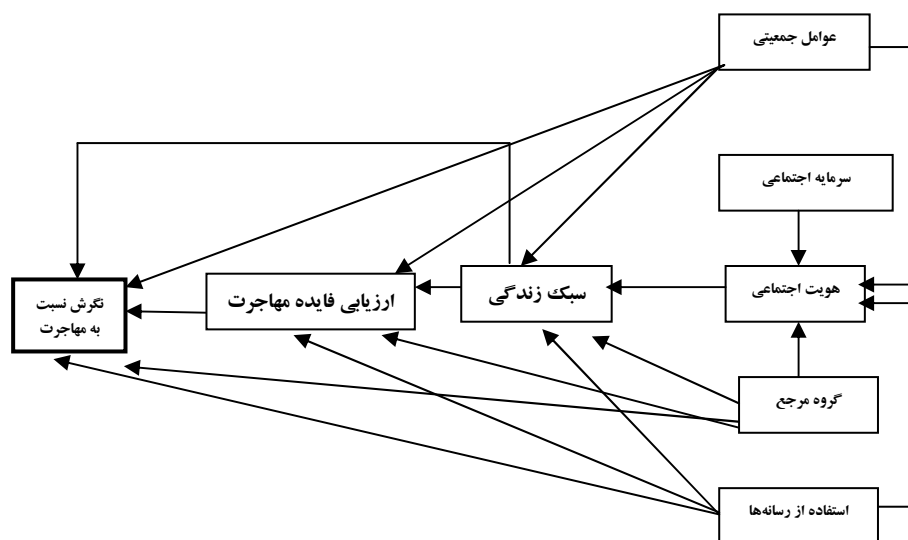
با توجه به بحث‌های مطرح شده می‌توان گفت که برای بررسی نگرش جوانان نسبت به مهاجرت باید چند مسئله بسیار مهم مورد توجه قرار گیرد. جامعه‌شناسی جوانی و نظریات مرتبط با آن نشان داده است که نمی‌توان از جوان سخن گفت و هویت و سبک زندگی او را در نظر نگرفت. هویت یکی از مهم‌ترین مقولاتی است که در زمینه جامعه‌شناسی جوانی قرار گرفته است و تقریباً همه کنش‌های جوانان تحت تأثیر شرایط شکل‌گیری و قوت و ضعف مؤلفه‌های آن قرار دارد. مفهوم سبک زندگی نیز با توجه به شرایط دنیای جدید روی نگرش‌های موجود تأثیر چشم‌گیری دارد و باید حتماً در نظر گرفته شود.

۱. Social acceptability

۲. Evaluative Frame

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب سبک‌های زندگی سرمایه در دسترس فرد است. بنابراین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی جوانان نیز باید در نظر گرفته شود. در این مدل ارزیابی فایده طبق نظریه فیش‌باین و آیزن یکی از عوامل مؤثر بر نگرش تعریف شده و به صورت تصور نسبت به عوامل دافعه در کشور مبدأ و عوامل جاذبه در کشور مقصد (طبق نظریه لی) اندازه‌گیری شده است. طبق نظریه فیش‌باین و آیزن هنجار ذهنی یکی از عوامل مؤثر بر نگرش است که در این مورد نظر دیگران مهم (والدین، دوستان و رسانه‌ها) هنجار ذهنی فرد را می‌سازد. بنابراین متغیر گروه مرجع در مدل ناظر به همین عامل تأثیرگذار در نظر گرفته شده است. طبق نظریه لی علاوه بر عوامل جاذبه و دافعه که به صورت ارزیابی فایده مهاجرت وارد مدل شده‌اند، عوامل شخصی و جمعیتی و عوامل مداخله‌گر نیز بر نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر می‌گذارند. عوامل جمعیتی شامل سن، جنس، وضعیت تأهل و تعداد فرزند در مدل وارد شده‌اند. عوامل واسطه در مدل تحقیق را متغیرهایی از قبیل پذیرش سبک زندگی غربی، هویت اجتماعی تشکیل می‌دهند که هر یک مستقیماً یا با واسطه بر نگرش نسبت به مهاجرت مؤثر خواهد بود، به این ترتیب مدل تحقیق علاوه بر این که مدل مهاجرتی لی و نظریه نگرش فیش‌باین و آیزن را در نظر دارد، به خصوصیات مربوط به جوانان به خصوص سبک زندگی جوانی و هویت نیز توجه داشته است. نمودار شماره ۱ مدل تحقیق را نشان می‌دهد.

نمودار ۱- مدل تحقیق



بر اساس مدل ارائه شده، فرضیات اصلی تحقیق به صورت زیر مطرح می شوند:

۱. بین ارزیابی فایده مهاجرت و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین نگرش گروه مرجع (خانواده، دوستان) نسبت به مهاجرت و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین سن و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان درآمد و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین نگرش دختران و پسران در مورد مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد.
۶. بین نگرش مجردین و متأهلین نسبت به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد.
۷. بین میزان پذیرش سبک زندگی جدید و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.
۸. بین میزان استفاده از رسانه‌ها و نگرش نسبت به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد کمی است. روش استفاده در این پژوهش، روش پیمایشی است و از تکنیک جمع‌آوری اطلاعات به روش پرسشنامه استفاده می‌کند. طبق تحقیق انجام شده درباره جوانی (سروش، ۱۳۸۲) سن جوانی برای دختران ۱۳ تا ۲۹ سال و برای پسران ۱۵ تا ۲۹ سال برآورد شده است. در این تحقیق با توجه به ماهیت تحقیق و متغیرهایی که باید اندازه‌گیری شوند، سن ۱۸-۲۹ سال در نظر گرفته شد. حجم نمونه این تحقیق طبق جدول لین با ۳ درصد خطای نمونه‌گیری و ۹۵ درصد اطمینان، ۸۸ نفر برآورد شد (لین، ۱۹۷۸: ۵۰۳). شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق «نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای» است که به صورت تصادفی صورت می‌گیرد و برای انجام آن از بلوک‌بندی مرکز آمار ایران استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری کسب نمونه نهایی متضمن انتخاب چند نمونه مختلف است که برای انجام آن ابتدا باید از میان مناطق نمونه‌ای انتخاب گردد. بدو از میان مناطق بزرگ شهر شیراز نمونه‌گیری می‌شود و رفته‌رفته از هر منطقه بزرگ مناطق کوچک‌تری نمونه‌گیری می‌شوند. نهایتاً کار به انتخاب نمونه‌ای تصادفی از خانوارها و انتخاب

افراد در خانوارهای منتخب ختم می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۷۴). پرسشنامه با توجه به فرضیات و متغیرهای تحقیق به صورت محقق‌ساخته و با استفاده از گویه‌هایی به صورت طیف لیکرت تدوین شده‌اند.

در این پرسشنامه متغیرهای مستقل و وابسته به صورت مجزا اندازه‌گیری شده‌اند. به این صورت که متغیرهای سن و میزان درآمد به صورت فاصله‌ای بر مبنای سال و هزار تومان اندازه‌گیری شده‌اند. متغیر جنس متغیر اسمی دو شقی و متغیر وضعیت تأهل متغیر اسمی سه شقی هستند. ارزیابی فایده مهاجرت با استفاده از گویه‌هایی به صورت طیف لیکرت و با عنایت به عوامل جاذبه و دافعه اندازه‌گیری شده است. در این مورد نمره‌گذاری طوری بوده است که نمره بالاتر در این طیف نشان‌دهنده ارزیابی مثبت نسبت به مهاجرت باشد و نمره پایین ارزیابی منفی پاسخگو نسبت به مهاجرت را نشان دهد. متغیر گروه مرجع شامل نگرش دوستان و اعضای خانواده فرد (پدر، مادر، خواهر برادر و همسر) درباره مهاجرت است. در این مورد هم نمره‌گذاری طوری انجام شده است که نمره بالاتر نشان‌دهنده نگرش مثبت خانواده و دوستان نسبت به مهاجرت باشد و نمره پایین نگرش منفی آن‌ها را نشان دهد. متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها نشان می‌دهد که پاسخگو در طول هفته چقدر از دو گروه رسانه‌های جمعی (رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، کتاب و فیلم) و فن‌آوری‌های اطلاعاتی جدید (شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، بازی‌های کامپیوتری، استفاده از اتاق‌های گفتگوی اینترنتی یا چت و پیام کوتاه یا SMS) استفاده می‌کند. این متغیر نیز با استفاده از یک طیف پنج قسمتی و به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. متغیر سرمایه اجتماعی با سه مؤلفه منابع، شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی به صورت طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی در این تحقیق از میزان تحصیلات سود برده‌ایم. نمره سرمایه فرهنگی در این تحقیق از جمع سال‌های تحصیل فرد، پدر و مادر و همسر او به دست آمده است و بنابراین باز هم در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. متغیر سبک زندگی با استفاده از نمره‌گذاری عینی اندازه‌گیری شده است، به این صورت که در ابتدا فعالیت‌هایی که نشان‌دهنده سبک زندگی جدید است، مشخص گردید و سپس از پاسخگو خواسته شد تعداد دفعه‌ای را که در هفته یا در ماه به این فعالیت‌ها می‌پردازد، مشخص کند. در این مورد فعالیت‌های خاص پسران و دختران به صورت مجزا سؤال شده است. نمره بالا در این طیف نشان می‌دهد که پاسخگو سبک زندگی جدید را پذیرفته است. این متغیر در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است.

جهت تأمین اعتبار طیف‌های به کار رفته در سنجش متغیرها، با استفاده از مفاهیم موجود در چارچوب نظری تحقیق هر متغیر با استفاده از تعاریف نظری موجود به صورت یک سازه عملیاتی با توجه به سازه‌های تئوریک مفهوم بندی شده است (اعتبار محتوایی). ضریب همبستگی بین گویه‌های هر طیف نیز محاسبه شده است. به منظور دستیابی به پایایی لازم، ابتدا پرسشنامه اولیه تدوین گردید و بر روی ۱۰۰ نفر از افراد نمونه مورد بررسی، پیش‌آزمون صورت گرفت. آن‌گاه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های ناهم‌ساز و نامتناسب از پرسشنامه حذف شد. به علاوه از روش آزمون-آزمون مجدد نیز برای تأمین پایایی استفاده شد. برای این منظور تعداد ۳۰ پرسشنامه به فاصله یک هفته به تعدادی از افراد جامعه آماری ارائه و همبستگی طیف‌های پرسشنامه در اندازه‌گیری اول و دوم با یکدیگر مقایسه گردید.

جدول ۱- آلفای کرونباخ مربوط به طیف‌های مختلف موجود در پرسشنامه

طیف	ضریب آلفا آزمون مقدماتی	ضریب آلفا آزمون اصلی
نگرش نسبت به مهاجرت	۰/۸۳	۰/۹۰
هویت	۰/۷۷	۰/۷۰
ارزیابی فایده مهاجرت	۰/۷۷	۰/۷۹
گروه مرجع	۰/۹۱	۰/۹۰
میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۶۵	۰/۶۵

جدول ۲- ضریب همبستگی میان متغیرهای تحقیق در آزمون - آزمون دوباره

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش نسبت به مهاجرت	۰/۸۸۲	۰/۰۰۰
هویت	۰/۷۰۴	۰/۰۰۰
ارزیابی فایده مهاجرت	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰
گروه مرجع	۰/۷۰۳	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۸۱۶	۰/۰۰۰
سبک زندگی	۰/۶۳۱	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۶۵۰	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰/۹۰	۰/۰۰۰

به علاوه از روش Test- Retest نیز برای تأمین پایایی همه متغیرها (از جمله متغیرهایی که به صورت طیف اندازه گیری نشده اند) استفاده شد. برای این منظور تعداد ۳۰ پرسشنامه به فاصله یک هفته به تعدادی از افراد جامعه آماری ارائه و همبستگی طیف های پرسشنامه را در اندازه گیری اول و دوم با یکدیگر مقایسه گردید. پس از جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ها کدگذاری و وارد کامپیوتر گردید و سپس تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Lisrel انجام شد. جنسیت به صورت متغیر تصنعی^۱ با دو ارزش صفر و یک کدگذاری شده است. مدل تحقیق با استفاده از نرم افزار Lisrel و به روش تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها

سن پاسخگویان بین ۱۸ تا ۲۹ سال بوده است. سن ۱۸ و ۲۰ سال دارای بیشترین فراوانی بوده است. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۴۸ سال با انحراف معیار ۳/۶۴ محاسبه شده است. نزدیک به ۳۰ درصد از پاسخگویان متأهل بوده اند. ۶۹ درصد مجرد و ۱ درصد از پاسخگویان نیز بدون همسر خود زندگی می کرده اند. جدول ۳ توصیف اندازه گیری متغیرهای اصلی تحقیق را که در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند، نشان می دهد:

جدول ۳- توصیف اندازه گیری متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
ارزیابی فایده مهاجرت	۸۵۶	۳۹	۱۱۷	۸۲/۴۵	۱۲/۰۱	۱۴۴/۳۰
هویت	۸۶۱	۳۶	۹۱	۶۹/۸۷	۸/۶۴	۷۴/۵۴
سرمایه اجتماعی	۷۵۵	۱۷	۱۳۴	۶۸/۶۱	۲۵/۲۹	۶۳۹/۶۴
گروه مرجع	۷۲۴	۱	۱۳۷	۴۵/۰۵	۲۳/۶۹	۵۶۱/۵۳
نگرش به مهاجرت	۸۶۵	۲۸	۱۱۹	۶۸/۵۲	۱۴/۵۴	۲۱۱/۳۲
سبک زندگی	۷۹۵	۰	۸۰۹	۱۰۵/۲۵	۱۰۱/۵۸	۱۰۳۱۸/۳۱
میزان استفاده از رسانه ها	۸۳۷	۰	۳۶	۹/۲	۴/۶۹	۲۲

۱. Dummy Variabels

نگاهی به نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای ارزیابی فایده مهاجرت و نگرش نسبت به مهاجرت با توجه با انحراف معیار نسبت به دامنه تغییرات متغیر، پراکندگی نرمالی را نشان داده‌اند. در میان متغیرهای ارائه شده در جدول، تنها متغیر سبک زندگی است که انحراف معیار آن از دامنه تغییرات متغیر بیشتر است و پراکندگی این متغیر را نشان می‌دهد. این امر به دلیل تعدد شاخص‌های اندازه‌گیری برای این متغیر بوده که واریانس آن را افزایش داده است. به علاوه خود این متغیر نیز ماهیتاً واریانس زیادی در میان جوانان دارد که در توصیف این متغیر خود را نشان داده است. بقیه متغیرها میزان پراکندگی مناسبی نشان داده‌اند و انحراف آن‌ها از توزیع نرمال کم است.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای تحقیق و نگرش نسبت به مهاجرت

متغیر	نگرش نسبت به مهاجرت
جاذبه‌های مقصد	۰/۵۱۴**
دافعه‌های مبدأ	۰/۳۸۴**
ارزیابی کلی	۰/۵۳۸**
نظر خانواده نسبت به مهاجرت	۰/۴۴۲**
نظر دوستان نسبت به مهاجرت	۰/۴۰۱**
میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۲۲۴**
نظر گروه مرجع به‌طور کلی	۰/۴۸۸**
سن	-۰/۰۹۷*
درآمد	۰/۰۱۱
هویت اجتماعی	-۰/۴۴۹**
سبک زندگی	۰/۲۵۹**

** : $p < 0,001$ * : $P < 0,05$

ارزیابی فایده مهاجرت با نگرش نسبت به مهاجرت رابطه مثبت و معناداری دارد. یعنی هر چه دافعه مبدأ و جاذبه مقصد در نظر فرد بیشتر باشد، نگرش او نسبت به مهاجرت مثبت‌تر است. ارزیابی کلی مهاجرت نیز رابطه

معنا داری با نگرش نشان داده است. شدت روابط نشان می‌دهد که جاذبه‌های مقصد رابطه قوی‌تری با نگرش دارند تا دافعه مبدأ، یعنی تصویر سعادت‌آمیزی که از کشورهای توسعه‌یافته در ذهن افراد وجود دارد، نگرش افراد را به مهاجرت مثبت می‌کند. نگرش افراد نسبت به مهاجرت با نگرش خانواده، دوستان و رسانه‌ها نسبت به این مقوله رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داده است. همه این روابط در حد بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنادار هستند. یعنی هر چه نگرش خانواده، دوستان و میزان استفاده از رسانه‌ها بیشتر باشد، نگرش فرد نسبت به مهاجرت مثبت‌تر است. در این میان خانواده نقش مهم‌تری بازی می‌کند. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که هر چه سن بالاتر باشد، نگرش نسبت به مهاجرت منفی‌تر است. یعنی جوان‌ترها نگرش مثبتی نسبت به مهاجرت دارند. با توجه به شدت رابطه می‌توان گفت که رابطه بسیار ضعیف و نزدیک به صفر است. این امر به دلیل بازه کنترل‌شده سنی (۱۸-۲۹ سال) است. رابطه میان درآمد خانواده و نگرش نسبت به مهاجرت در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار نبوده است و نگرش جوانان به مهاجرت ارتباطی با درآمد خانوادگی آنها نداشته است. رابطه میان نگرش نسبت به مهاجرت و هویت منفی و معنادار است با توجه به این که نمرات بالای هویت نشانگر میزان پایداری به عناصر سنتی هویت است، این نتیجه نشان می‌دهد که هر چه هویت اجتماعی جوان مدرن‌تر باشد، نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت ابراز کرده است. همین رابطه برای میزان پذیرش سبک زندگی جدید و نگرش نسبت به مهاجرت مشاهده می‌شود، یعنی هر چه فرد در انتخاب‌های روزمره زندگی برای ارتباطات، نوع غذا، تفریح و ورزش از زندگی سنتی بیشتر جدا شده باشد، نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت نیز خواهد داشت.

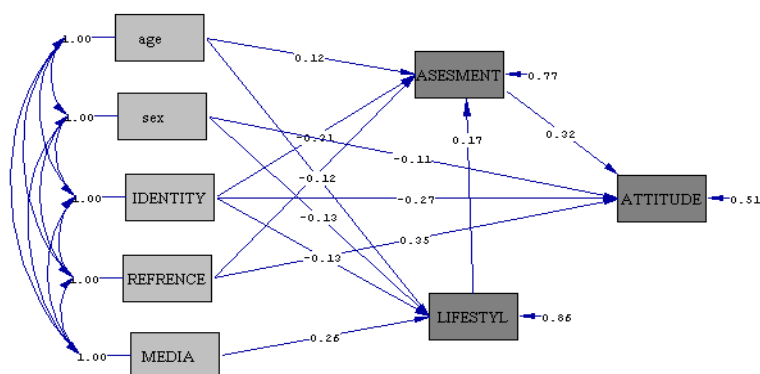
با توجه به این که متغیر وضعیت تأهل و جنسیت متغیر اسمی هستند، از آزمون T مستقل در مورد آن استفاده شده است. در این مورد با توجه به این که گروه بدون همسر تنها یک درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌داد، آن را با گروه مجرد در نظر گرفته‌ایم.

جدول ۵ - آزمون T نگرش نسبت به مهاجرت با توجه به وضعیت تأهل

Sig T	T	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت تأهل
۰/۰۰۰	۴/۴۱	۰/۵۹	۱۴/۵۸	۶۹/۹۱	۶۰۵	مجرد
		۰/۸۶	۱۳/۹۴	۶۵/۲۸	۲۶۰	متأهل
۰/۰۰۰	۶/۲۱	۰/۷۶۶	۱۳/۹۱	۷۱/۳۰۰	۳۲۹	پسر
		۰/۶۲۴	۱۴/۴۳	۶۶/۱۶	۵۳۵	دختر

جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان افرادی که وضعیت تأهل متفاوتی دارند، در نگرش نسبت به مهاجرت وجود دارد و این تفاوت با اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنادار است. میانگین‌ها نشان می‌دهد که مجردین نظر مثبت‌تری درباره مهاجرت داشته‌اند. این تفاوت معنادار در میان دختران و پسران نیز مشاهده شده است. میانگین‌ها نشان می‌دهد که پسران نسبت به دختران نظر مثبت‌تری در مورد مهاجرت ابراز کرده‌اند. این تفاوت از تفاوت موجود میان مجردین و متأهلین بیشتر است.

و بالاخره مدل تحقیق با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد ارزیابی واقع شد و نتیجه زیر از آن به دست آمد:



Chi-Square=29.97, df=6, P-value=0.00004, RMSEA=0.067

اعدادی که روی هر مسیر نشان داده شده است، همبستگی میان متغیرها است و شدت رابطه میان آن‌ها را نشان می‌دهد. مدل تحقیق نشان می‌دهد که ارزیابی فایده مهاجرت، جنسیت، هویت اجتماعی و نظر گروه مرجع نسبت به مهاجرت، با نگرش نسبت به مهاجرت رابطه مستقیمی داشته‌اند. سن، سبک زندگی و میزان استفاده از رسانه‌ها نیز فقط به صورت غیرمستقیم بر این متغیر تأثیر داشته‌اند. ارزیابی فایده مهاجرت به طور مستقیم بر نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر گذاشته است و رابطه مثبت و معناداری با شدت $r=0.32$ بین آن‌ها مشاهده می‌شود، یعنی هر چه ارزیابی فایده مهاجرت مثبت تر باشد، نگرش نسبت به آن نیز مثبت تر است. از میان متغیرهایی که مستقیماً به متغیر وابسته تأثیر کرده‌اند، نظر گروه مرجع (خانواده و دوستان) و ارزیابی فایده مهاجرت مهم تر از بقیه است و رابطه قوی تری با متغیر وابسته نشان داده است. ($r=0.35$) همبستگی این متغیر با نگرش نسبت به مهاجرت نشان می‌دهد که هر چه نظر خانواده و دوستان نسبت به مهاجرت بهتر باشد، نگرش فرد نسبت به مهاجرت نیز مثبت خواهد بود (فرضیه ۲). همچنین هر چه ارزیابی فرد از فایده مهاجرت مثبت تر باشد، نگرش او نیز نسبت به مهاجرت نیز مثبت تر است ($r=0.32$) (فرضیه ۱). رابطه بین جنسیت و نگرش نشان می‌دهد که پسران نگرش مثبت تری نسبت به مهاجرت ابراز کرده اند ($r=-0.11$) (فرضیه ۳). مسیر متغیر هویت به نگرش نسبت به مهاجرت نشان می‌دهد که هر چه پاسخگویان هویت سنتی تری را برای خود تثبیت کرده باشند، نگرش آن‌ها نسبت به مهاجرت منفی تر خواهد بود ($r=0.27$) و برعکس هر چقدر افراد هویت جدیدتری داشته باشند، نگرش مثبت تری نسبت به مهاجرت خواهند داشت.

بررسی اثرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که هر چه سن پاسخگویان بالاتر باشد، ارزیابی بهتری از فایده مهاجرت دارند ($r=0.12$)، اما جوان‌ترها سبک زندگی مدرن را بیشتر می‌پسندند ($r=-0.12$) یعنی رابطه سن و میزان پذیرش سبک زندگی جدید منفی و معنادار است. به علاوه پسران سبک زندگی جدید را بیشتر از دختران پذیرفته‌اند و رابطه معناداری میان جنسیت و سبک زندگی نیز مشاهده می‌شود ($r=-0.13$). سبک زندگی نیز تأثیر خود را از طریق ارزیابی فایده مهاجرت بر نگرش نسبت به مهاجرت اعمال می‌کند ($r=0.17$)، به این معنا که هر چه گرایش جوانان به سبک‌های جدید زندگی بیشتر باشد، ارزیابی مثبت تری از مهاجرت خواهند داشت. هویت اجتماعی با ارزیابی فایده مهاجرت رابطه منفی و معناداری نشان داده است، به این صورت که افرادی که هویت اجتماعی سنتی دارند، ارزیابی منفی تری نسبت به فایده مهاجرت ابراز می‌کنند ($r=-0.31$) و برعکس همچنین افرادی که هویت اجتماعی سنتی دارند، سبک زندگی سنتی تری را نیز

پذیرفته‌اند ($r = -0/13$) و کسانی که هویت اجتماعی شان کمتر سستی است، سبک زندگی جدید را بیشتر پذیرفته‌اند. نظر گروه مرجع (خانواده و دوستان) بر ارزیابی پاسخگویان از فایده مهاجرت تأثیر مثبت و معناداری داشته است، به این معنا که هر چه خانواده و دوستان فرد نظر مثبت‌تری نسبت به مهاجرت ابراز کرده‌اند، ارزیابی پاسخگویان نیز از فایده مهاجرت مثبت‌تر بوده است ($r = 0/23$). میزان استفاده از رسانه‌ها نیز بر سبک زندگی انتخابی فرد تأثیر می‌گذارد، یعنی فرد هر چه بیشتر از رسانه‌ها استفاده کند، سبک زندگی جدید را بیشتر می‌پذیرد ($r = 0/26$). بررسی مدل نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی (شبکه اجتماعی، رتبه شغلی و اعتماد اجتماعی) و درآمد خانواده از مدل پیشنهادی حذف شده‌اند.

از میان متغیرهای زمینه‌ای، متغیر سن رابطه مستقیمی با نگرش نسبت به مهاجرت نشان نداده است و تأثیر خود را از طریق ارزیابی فایده مهاجرت و سبک زندگی بر نگرش اعمال کرده است. جنسیت با ارزیابی فایده مهاجرت رابطه نشان نداده است، یعنی تفاوت جنسیتی در ارزیابی فایده مهاجرت دیده نمی‌شود و این تفاوت مستقیماً در نگرش نسبت به مهاجرت و سبک زندگی مشاهده شده است و تأثیر خود را بر ارزیابی فایده مهاجرت از طریق تفاوت در سبک زندگی اعمال کرده است.

نظر گروه مرجع (خانواده و دوستان) نسبت به مهاجرت بر سبک زندگی تأثیری نشان نداده است. صرف استفاده از رسانه‌ها نیز بر ارزیابی فایده مهاجرت و نگرش نسبت به آن مؤثر نبوده است و تأثیر خود را از طریق سبک زندگی بر این دو متغیر اعمال کرده است.

اعدادی که کنار هر متغیر وابسته مشاهده می‌شود، مقدار خطای موجود در تبیین واریانس آن است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان خطا از اولین متغیر واسطه (سبک زندگی) تا متغیر وابسته کاهش یافته است، به طوری که متغیر سبک زندگی $0/86$ خطا را همراه خود دارد. این مقدار خطا در متغیر واسطه بعدی یعنی متغیر ارزیابی فایده مهاجرت به $0/77$ کاهش یافته و در نهایت متغیر وابسته تحقیق با $0/51$ خطا ظاهر شده است. این امر نشان‌دهنده این است که اولاً مدل ارائه‌شده توانسته است 49 درصد واریانس نگرش نسبت به مهاجرت را تبیین نماید و ثانیاً نشان‌دهنده طبیعت علی مدل تحقیق می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

در این بخش از تحقیق به بیان نتایج تحقیق و بررسی آن می پردازیم. مدل به دست آمده نسبت به مدل پیشنهادی تحقیق تفاوت زیادی را نشان می دهد. در این مدل متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی وجود ندارند و هویت اجتماعی مانند یک متغیر مستقل عمل می کند. هویت هم مستقیماً و هم با واسطه سبک زندگی و ارزیابی فایده مهاجرت بر نگرش تأثیر می گذارد. رابطه هویت و سبک زندگی چارچوب نظری تحقیق و نظریه گیدنز مورد انتظار بوده است. طبق چارچوب نظری تحقیق، هویت هر فرد روایتی است که او از خود در ذهن داشته و هر روز از گذر انتخاب‌هایی که صورت می دهد، آن را جرح و تعدیل و تثبیت می کند. سبک‌های زندگی نیز مجموعه عملکردهایی هستند که بعد از گذشتن از صافی انتخاب‌ها انجام شده و رفتارها و انتخاب‌هایی را نشان می دهند که مؤید هویت شخصی فرد هستند (گیدنز، ۱۳۷۸).

با این تعریف از هویت می توان رابطه هویت و ارزیابی فایده مهاجرت را نیز درک کرد. نوع انتخاب‌های فرد در موقعیت‌های گوناگون نشانگر موضع گیری او نسبت به شرایط است و این موضع گیری‌ها در مورد شرایط موجود در موطن پاسخگویان و شرایطی که تصور می کند در کشورهای پیشرفته وجود دارد، ارزیابی پاسخگو از فایده مهاجرت را می سازد. بنابراین این رابطه در مدل نیز از چارچوب نظری تحقیق قابل استنتاج می باشد. تأیید این رابطه با توجه به داده‌های تحقیق نشانگر این موضوع است که فرد با توجه به نوع هویت انتخابی خود به گزینه‌هایی بیشتر اهمیت می دهد که روایت او از خودش را قوت بیشتری ببخشد و تثبیت نماید. از آن جا که هر انتخابی بر پایه یک ارزیابی آگاهانه یا ناآگاهانه و وجهه نظرات شخص صورت می گیرد، ارزیابی‌های فرد را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به همین ترتیب است که ارزیابی افراد نسبت به فایده مهاجرت متأثر از هویت آنهاست.

این نتیجه متضمن این پیام است که اگر روایت جوانان از خودشان (هویت) دارای عناصری باشد که شرایط عینی موجود برای آنها گزینه‌های لازم را فراهم نیاورد، گزینه مهاجرت اهمیت بیشتری پیدا می کند. هر چه فرد هویت سنتی تری را پذیرفته باشد، در مورد مهاجرت از کشور نگرش منفی تری خواهد داشت. یعنی هر چه هویت اجتماعی جوانان بیشتر به سمت انتخاب‌های جدید تمایل پیدا می کند، نگرش نسبت به مهاجرت نیز مثبت تر می شود. شاید دلیل این مطلب این است که ارزش‌های رسمی جامعه ایرانی نسبت به این نوع هویت نگرش چندان مثبتی ندارد و ظرفیت پاسخ به الزامات این نوع هویت را دارا نیست، بنابراین کسانی که مؤلفه‌های

هویتی جدیدتر را انتخاب می‌کنند، نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت پیدا می‌کنند. با توجه به این که جوانی دوره تغییر و نوخواهی محسوب می‌شود و اکثر تغییرات اجتماعی از این گروه منشأ می‌گیرد، جامعه باید در خود ظرفیت پذیرش و تحمل گوناگونی‌های هویتی بیشتری را ایجاد کند و هماهنگی بیشتری با ارزش‌های جهانی داشته باشد تا نیروی انسانی جوان خود را از دست ندهد. توضیح این که با توجه به فرایند جهانی شدن و چهل‌تکه سازی فرهنگی (شهابی، ۱۳۸۰)، بسیاری از عناصری که جوانان برای هویت خویش برمی‌گزینند، بیرون از عناصر سنتی ایرانی قرار گرفته، و امکانات و گزینه‌هایی طلب می‌کند که همگام با مفاهیم جهانی باید در بستر جامعه فراهم شود. زمینه اجتماعی کشور باید آن‌قدر انعطاف‌پذیری داشته باشد که یا بتواند گزینه‌های لازم برای تثبیت هویتی جوانان را در داخل کشور فراهم آورد و یا توانایی ارائه گزینه‌ها و قرائت‌های جذاب‌تری از جوانان را برای خودشان داشته باشد تا بتواند مؤلفه‌های هویتی آن‌ها را طوری تنظیم کند که محیط اجتماعی موجود برایشان جذاب‌تر جلوه نماید. به نظر می‌رسد که مطلوب‌ترین کار، ترکیبی از هر دو مورد است.

رابطه ارزیابی فایده مهاجرت و نگرش نسبت به مهاجرت، طبق نظریه فیش‌باین و آیزن که پایه نظری نگرش را در تحقیق حاضر می‌سازد، قابل انتظار است و این رابطه که در مدل با قوت زیادی پدیدار شده است، مؤید مدل فیش‌باین و آیزن در مورد نگرش‌ها می‌باشد. با توجه به داده‌های جانبی تحقیق، نظر پاسخگویان در مورد عوامل جاذبه در مقصد مهاجرت، رابطه قوی‌تری با نگرش داشته است تا عوامل دافعه در کشور پاسخگو. این رابطه در شماری از تحقیقات پیشین در داخل کشور که با چارچوب نظری جاذبه-دافعه کار کرده‌اند نیز مشاهده می‌شود. برای مثال طیبی‌نیا (۱۳۸۱) و شریفی (۱۳۷۵) تأکید کرده‌اند که در تحلیل‌های چندمتغیری سهم عوامل جاذبه در مقصد بیشتر از عوامل دافعه در مبدأ مهاجرت برآورد شده است. بنابراین داشتن تصور مثبت از کشورهای پیشرفته و رؤیای خوشبختی و سعادت در این کشورها بیشتر از مشکلات موجود می‌تواند جوانان را به مهاجرت از کشور ترغیب کند. در این میان آزادی‌های اجتماعی موجود در کشورهای پیشرفته که با توجه به نتایج توصیفی تحقیق (گویه‌های طیف ارزیابی فایده مهاجرت) از نظر اکثریت جوانان بسیار بیشتر از آزادی‌هایی است که در کشور در دسترسشان قرار دارد، علاوه بر امکانات آموزشی و رفاهی و تفریحی می‌تواند جذابیت زیادی برای جوانان داشته باشد.

رابطه میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان پذیرش سبک زندگی جدید از لوازم نظریه گیدنز است که در مدل به خوبی خود را نشان می‌دهد. یافته‌های جانبی تحقیق نیز دلایل گویاتری برای صحت این نظر ارائه کرده‌اند.

همان‌طور که از مدل تحقیق برمی‌آید، متغیر جنسیت بر میزان پذیرش سبک زندگی جدید نیز مؤثر بوده است. این رابطه اگر با توجه به نوع رسانه‌ها مورد بررسی قرار بگیرد، روشن‌تر خواهد بود. به‌طوری که میزان استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICTها) در میزان پذیرش سبک زندگی جدید برای دختران و پسران مؤثرند، در حالی که این رابطه برای رسانه‌های گروهی مشاهده نمی‌شود و میزان استفاده از این رسانه‌ها با میزان پذیرش سبک زندگی جدید برای پسران رابطه‌ای نشان نداده است، در حالی که برای دختران این رابطه منفی و معنادار است، یعنی میزان استفاده از رسانه‌های گروهی سبک زندگی سنتی را برای دختران تجویز کرده و استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی میزان پذیرش سبک زندگی جدید در میان دختران را بالاتر می‌برد. نتیجه‌ای که از این یافته‌ها می‌توان گرفت، این است که اولاً تأثیر رسانه‌ها بر سبک زندگی مربوط به مدرنیته است و ثانیاً با عنایت به استفاده بیشتر پسران از رسانه‌های خاص مدرنیته و با توجه به این که به دلیل فضای فرهنگی ایران که دسترسی پسران را بیشتر به مؤلفه‌های مدرنیته امکان‌پذیر می‌سازد، تأثیر استفاده از این نوع رسانه‌ها برای پسران مشهودتر بوده و تأثیر رسانه‌های گروهی بر انتخاب سبک زندگی برای پسران از بین رفته است. اما دختران چون در فضای بسته‌تر و سنتی‌تری زندگی می‌کنند، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی هنوز می‌تواند بر انتخاب سبک زندگی برای آن‌ها مؤثر باشد.

طبق مدل سبک زندگی از طریق تأثیر بر ارزیابی فایده مهاجرت بر نگرش نسبت به مهاجرت اثر می‌گذارد. بر اساس یافته‌های جانبی تحقیق، پاسخگویانی که سبک زندگی جدید را بیشتر پذیرفته‌اند، فاکتورهای دافعه و مشکلات موجود در موطنشان را بیشتر درک می‌کنند. همین رابطه برای فاکتورهای جاذبه با شدت کمتری صادق است. این نتیجه نشان می‌دهد که تعهد به سبک زندگی جدید که نشان‌دهنده هویت‌های مدرن است، باعث می‌شود که فرد محدودیت‌های بیشتری در محیط برای انتخاب‌های خود مواجه شده و نگرش مثبت‌تری نسبت به ترک محیط اولیه خود پیدا کند. این نتیجه‌گیری به‌طور ضمنی توجیه‌گر رابطه هویت جدید و نگرش نسبت به مهاجرت نیز هست؛ زیرا هر نوع سبک زندگی نماینده هویت اجتماعی است که انتخاب‌های انجام‌شده توسط جوان از صافی آن می‌گذرد.

از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، سن و درآمد با نگرش نسبت به مهاجرت رابطه مستقیم و معناداری نشان نداده است، به این معنی که میزان درآمد خانواده فرد نیست که تعیین می‌کند فرد چه احساس و شناختی نسبت

به مهاجرت دارد، بلکه عوامل دیگری مانند تأثیر گروه مرجع، به خصوص دوستان جوان نیز سبک زندگی و هویتی که افراد در فعالیت‌های روزمره برای خود تثبیت کرده‌اند، در این امر دخیلند.

اما جنسیت و وضعیت تأهل رابطه معناداری با نگرش نسبت به مهاجرت داشته است. در کل پسران بیشتر از دختران نسبت به مهاجرت مثبت می‌اندیشند و مجردین بیشتر از متأهلین به آن رغبت نشان می‌دهند. دلیل این امر را می‌توان این طور ذکر کرد که دختران به دلیل محدودیت‌های اجتماعی بیشتری که نسبت به پسران دارند، کمتر می‌توانند سبک زندگی جدید را برگزینند و در فعالیت‌های مدرن شرکت کنند و دوستانشان که معمولاً از جنس خودشان هستند نیز همین وضعیت را دارند. از طرف دیگر خانواده نیز که بیشترین تأثیر را در نگرش نسبت به مهاجرت داشته است، کمتر به دنبال مهاجرت هستند. مجموعه این وضعیت یک هویت بیشتر سنتی را برای دختران رقم می‌زند که نگرش مثبت و قوی نسبت به مهاجرت ندارد. این نکته را هم می‌توان اضافه کرد که زنان و دختران بیشتر خود را تابع خانواده می‌دانند و سعی دارند خود را با شرایط اطرافیان تطابق دهند. این انعطاف‌پذیری و تطابق در بیشتر اوقات در حوزه‌های شناختی و عاطفی نیز سرایت دارد و به همین دلیل نقش تبعی آن‌ها را حتی در این حوزه‌ها قوت می‌بخشد. به همین دلیل است که اگر خانواده، دوستان و اطرافیان آن‌ها رغبتی به مهاجرت از خود نشان ندهند، آن‌ها هم نظر کمتر مثبتی در این باره خواهند داشت. در اکثر مهاجرت‌هایی هم که عملاً اتفاق می‌افتد، زنان بیشتر نقش تبعی دارند. در کل دلایل اقتصادی و آموزشی کمتر از مسائل خانوادگی برای زنان (به خصوص در کشورهای مسلمان) اهمیت دارد (اوبرای، ۱۳۷۰). به علاوه قوانین مهاجرت و شهروندی مهارت‌های سطح بالایی برای مهاجران را طلب می‌کند، چیزی که زنان کمتر به آن دسترسی دارند (همو) بنابراین در ایران زنان کمتر مستقلاً به فکر مهاجرت می‌افتند، اما این مسئله در مورد پسران با شدت کمتری خود را نشان می‌دهد.

در مورد ارتباط وضعیت تأهل می‌توان گفت که ازدواج را در واقع می‌توان پذیرش وضعیت موجود و تلاش برای زندگی در آن دانست. کسی که ازدواج می‌کند، مسئولیت زندگی در همین شرایط را می‌پذیرد و علاوه بر آن امکان مهاجرت را برای خود کاهش می‌دهد. به همین دلیل کمتر به آن فکر می‌کند و آمادگی مهاجرت در او بسیار کمتر از افراد مجرد است. در کل مهاجرت افراد متأهل بیشتر با خانواده در نظر گرفته می‌شود و با توجه به دوره زندگی خانوادگی می‌توان گفت یک خانواده کوچک فقط در مراحل خاصی از دوره زندگی خود احتمال مهاجرت دارد. وقتی کودکان در خانواده به سن مدرسه می‌رسند و والدین در شغل

خود جا می‌افتند، زندگی خانوادگی ثبات بیشتری دارد و احتمال مهاجرت کم می‌شود (نیووالاین، ۲۰۰۴). با توجه به سن جامعه آماری تحقیق (۲۹-۱۸ سال)، افراد متأهل در این گروه به احتمال زیاد دارای فرزندان کوچک و در مرحله‌ای از زندگی خانوادگی هستند که به دنبال ایجاد ثبات در خانواده‌اند و کمتر به مهاجرت می‌اندیشند، به همین دلیل نگرش مجردین نسبت به متأهلین در این مورد مثبت‌تر است؛ زیرا دوران جوانی، دوره انتخاب و تجربه است و همان‌طور که هیفل و همکارانش (۲۰۰۴) اشاره کرده‌اند، مهاجرت یکی از گزینه‌هایی است که در دوران جوانی مطرح است، بنابراین جوانان مجرد به مهاجرت به‌عنوان یکی از راه‌هایی می‌نگرند که از طریق آن می‌توانند آینده و هویت خود را بهتر بسازند، بنابراین نگرش مثبت‌تری در مورد آن ابراز می‌کنند.

گرچه هر دو مؤلفه گروه مرجع (خانواده و دوستان) بر سبک زندگی انتخابی توسط فرد مؤثر است، اما میزان استفاده از رسانه‌ها بیشتر بر پذیرش سبک زندگی جدید مؤثر بوده است. صرف استفاده از رسانه‌ها، صرف نظر از نوع آن بر میزان پذیرش سبک زندگی جدید مؤثر است. این امر تأثیر جهانی شدن را بر سبک زندگی و به تبع آن هویت جوانان به خوبی منعکس می‌کند (خواجهنوری، ۱۳۸۵). رسانه‌ها نقش مهمی در همه گیر شدن تولیدات صنعت فرهنگی بازی می‌کند (فریث، ۱۹۸۶) و تعجب آور نیست که صرف استفاده از رسانه‌ها میزان پذیرش سبک زندگی جدید را افزایش دهد، اما استفاده از ICTها و میزان پذیرش این نوع سبک زندگی را به‌خصوص برای پسران افزایش می‌دهد، اما در مورد نگرش نسبت به مهاجرت این نظر دوستان است که اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا در مورد مهاجرت، افراد نیاز دارند چیزی بیشتر از اطلاعات کلی داشته باشند. در واقع کسانی که با افراد مهاجر سر و کار بیشتری دارند یا حداقل به‌طور غیرمستقیم از آن‌ها اطلاعات به‌دست می‌آورند، آمادگی بیشتری برای مهاجرت دارند و بیشتر نیز به آن دست می‌زنند (لی، ۱۳۶۸). بنابراین تأثیر دوستانی که به صورت چهره به چهره نظر مثبتی نسبت به مهاجرت ابراز می‌کنند، بیشتر از رسانه‌هایی است که به صورت غیر مستقیم جاذبه‌های موجود در کشورهای مقصد مهاجرت را تبلیغ می‌کنند، چون ملموس‌تر و عملی‌تر به نظر می‌رسد. در کل نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که مدل پیشنهاد شده، مدل مناسبی است و در مجموع توانسته است ۴۹ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

علاوه بر بررسی مدل از طریق نرم‌افزار لیزرل، مدل پیشنهادی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی نتایج رگرسیون قابل ملاحظه می‌باشد. نتایج رگرسیونی، مؤید تحلیل

مسیر مدل پیشنهادی است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که تأثیر گروه‌های مرجع در هویت تعیین‌کننده است؛ زیرا خاصیت بازتابی زندگی باعث می‌شود که هویت ما علاوه بر این که قرائت خود ما از وجودمان باشد بازتابی انعکاسی از قرائت دیگران از ما باشد. به علاوه محصول انتخاب‌های ما از میان چیزهایی است که هر روز به طور انبوه از طریق رسانه‌ها و مجاری دیگر به ما ارائه می‌گردد. بنابراین می‌توان تأثیر جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و فرهنگ جهانی و اثرات همگن‌سازی فرهنگی آن را مشاهده کرد که بر همه نگرش‌های زندگی و از جمله نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر خود را نشان داده است، به طوری که هر قدر که فرد بیشتر هویت مدرن را بپذیرد، نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت خواهد داشت.

در یک نتیجه‌گیری کلی، می‌توان دید که داشتن نگرش مثبت به مهاجرت می‌تواند به دلیل مقایسه شرایط مبدأ و مقصد فرضی مهاجرت باشد (ارزیابی فایده مهاجرت) و یا پذیرش ارزش‌های جهانی که از طریق رسانه‌ها تصویر می‌شود (تأثیر رسانه‌ها) و امکانات و تسهیلات جدیدی که از نظر اقتصادی (تسهیلات حمل و نقل)، خانوادگی، اعتقادی و ارزشی (تأثیر بر هویت و سبک زندگی عمومی که از طریق تأثیر خانواده و دوستان مشاهده شده است) برای جوانان ایجاد و حداقل تصور تحقق آن را به ذهن جوانان نزدیک‌تر می‌کند. در کل هویت اجتماعی افراد تحت تأثیر گروه مرجع، رسانه‌ها و سرمایه اجتماعی بر آنان است. تأثیر گروه مرجع بر هویت در مورد انتظار بوده است. سرمایه اجتماعی افراد نیز که شامل رتبه شغلی، گستردگی شبکه اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی است نیز بر هویت اجتماعی افراد مؤثر است؛ زیرا محیط اجتماعی افراد را غنا می‌بخشد و گزینه‌های بیشتری را در اختیار فرد قرار می‌دهد و بنابراین امکان انتخاب او را بیشتر می‌نماید و هویت‌های متنوع‌تری ایجاد می‌کند. متغیر سرمایه اجتماعی در مدل نهایی تحقیق که با استفاده از نرم‌افزار Lisrel به دست آمده، وارد نشده است. به دلیل این که این نرم‌افزار همه روابط بین متغیرها از جمله روابط بین متغیرهای مستقل را نیز بررسی می‌کند، نتایج به دست آمده از آن با نتایج رگرسیون متفاوت است و متغیرهایی را که همبستگی کمتری با متغیر وابسته دارند، از مدل حذف می‌نماید. در مورد متغیر سرمایه اجتماعی، همبستگی‌های به دست آمده در روابط بین این متغیر و متغیرهای واسطه و وابسته کمتر از ۰/۱ بوده و در نتیجه توسط محقق حذف شده‌اند.

یکی از متغیرهایی که در هیچ یک از معادلات رگرسیونی وارد نشده و تحلیل مسیر نیز آن را در مدل وارد نکرده است و فرضیه‌های مربوط به آن نیز تأیید آماری لازم را به دست نیاوردند، متغیر سرمایه فرهنگی است.

سرمایه فرهنگی در واقع نشان‌دهنده میزان تحصیلات پاسخگو و خانواده اوست. گرچه این متغیر وارد هیچ یک از معادلات رگرسیونی نشده است، اما در تحلیل‌های دومتغیره رابطه معناداری با نگرش نسبت به مهاجرت و ارزیابی فایده مهاجرت داشته است و به دلیل همبستگی زیاد ارزیابی فایده مهاجرت با نگرش نسبت به مهاجرت و همبستگی نزدیک سرمایه فرهنگی با هر یک از این متغیرها، در معادلات رگرسیونی این متغیر وارد نشده است.

نکته مهم در ارتباط دو به دو سرمایه فرهنگی و ارزیابی فایده مهاجرت این است که سرمایه فرهنگی با عوامل دافعه در کشور مبدأ رابطه نشان داده است، نه با عوامل جاذبه در کشور مقصد، یعنی تحصیلکرده‌ها بیشتر از این که فریفته جاذبه کشورهای پیشرفته باشند، از مشکلات داخلی رنج می‌برند. وارد نشدن این متغیر در معادلات رگرسیونی و مدل نهایی تحقیق، نشان‌دهنده این واقعیت است که میزان تحصیلات فرد و خانواده او در جمع‌بندی نهایی و در رابطه با مجموع شرایط تأثیری بر نگرش نسبت به مهاجرت در میان قاطبه جوانان بازی نمی‌کند و بر خلاف آنچه تصور می‌شود، تحصیلات عنصر مهمی در نگرش مثبت نسبت به مهاجرت محسوب نمی‌شود و عوامل دیگری هستند که وقتی درک می‌شوند، تمایل به مهاجرت را در میان جوانان قوت می‌بخشند.

جمع‌بندی

به طور کلی می‌توان گفت مهاجرت یکی از پدیده‌های معمول در جهان است. همواره عده‌ای از مردم از سرزمین خود جدا شده و به امید آینده‌ای بهتر به نقطه دیگری نقل مکان می‌کنند. از منظر کشوری مهاجر فرست، آثار این مهاجرت برای ما اهمیت دارد و تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌شود، باید بتواند گامی در جهت روشن شدن ابعاد این موضوع به منظور کاستن از نتایج زیانبار و افزودن به اثرات مثبت و سازنده آن بردارد.

درباره مهاجرت نخبگان سخنان زیادی گفته شده است، اما همیشه نظر قاطبه جوانان در این زمینه مغفول مانده است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مهاجرت برای جوانان ما در صورتی که امکان آن را داشته باشند، موضوعی قابل تأمل است. آمارهای به‌دست آمده از این تحقیق مؤید این موضوع است که تقریباً ۲۰ درصد از جوانان مورد مطالعه با جدیت در فکر مهاجرت هستند و تقریباً دو برابر این مقدار نگرش بسیار مثبتی در مورد آن

براز کرده‌اند که احتمالاً در صورت امکان برای آن اقدام می‌کنند. این نگرش مثبت بیشتر به این دلیل ایجاد شده است که تصویر زیبایی زندگی در کشورهای توسعه یافته در ذهن آنان رنگ و لعاب زیادی دارد. مهاجرت چیزی نیست که بتوان با زور و قوانین سخت جلو آن را گرفت، این کار نه ممکن است و نه مطلوب. بر اساس نتایج این بررسی، بهتر است جوان امروز را متقاعد کنیم کشورش به او احترام می‌گذارد و برای او ارزش قائل است و اگر چه نمی‌تواند همه انتظارات او را برآورده کند، اما سعی خود را در این زمینه می‌کند و او را هر جای دنیا که باشد، دوست دارد و به او و قابلیت‌ها و نظریاتش ارجح می‌نهد. در این صورت است که جوانان حتی اگر به‌طور دائمی از کشور مهاجرت کنند، باز هم سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را در اختیار کشورشان قرار می‌دهند. در دهکده جهانی امروز، حضور، فیزیکی چندان ملاک نیست و توجه و علاقه ذهنی است که حرف اول را می‌زند. بنابراین مهم‌ترین پیام این تحقیق این است که هویت جوانان از نظر عملی مهم‌ترین متغیری است که باید روی آن سرمایه‌گذاری کرد. عنصر ملی و میهن‌دوستی و دلبستگی به هویت ایرانی-اسلامی در هویت جوان ایرانی باید چنان قوی باشد که بر ارزیابی او از فایده مهاجرت و سبک زندگی و در نهایت نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر گذارد و او قابلیت‌هایی را که در هر کجای جهان کسب می‌کند، با رغبت در اختیار کشورش قرار دهد.

فهرست منابع

- پایادیمتریو، د. (۱۳۸۰): «توهم و واقعیت‌ها»، پیام یونسکو، شماره ۲۴۳، سال سی‌ام، صص ۳۲-۱۸.
- پریور، ر.ج. (۱۳۶۸): «یگانه‌سازی نظریات مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی»، ترجمه و تخلص دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، در لهسایی‌زاده، عبدالعلی، نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید، ۲۱۵-۱۹۱.
- چنی، دیوید (۱۳۷۶): «سبک زندگی»، ترجمه حسن چاوشیان، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۱۱۳-۱۰۶.
- خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۵): «بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان. مطالعه موردی تهران، شیراز و استهبان»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶): پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۸۲): ژئوپلتیک نخبگان، تهران، انتشارات کویر.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰): «نیروی عظیم جوانان، یک تهدید یا منشأ امید»، نمایه پژوهش، شماره ۱۷، صص ۲۲-۴.
- سروش، مریم (۱۳۸۲): بررسی تطبیقی جامعه‌شناختی و روانشناختی جوانی، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس.
- شهبابی، محمود (۱۳۸۰): «خرده‌فرهنگ‌های ویژه جوانان در ایران، قرائت‌ها و پیامدها»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۸۷-۱۰۰.
- شهید زاده، حسین (۱۳۷۰): «فرار مغزها، مشکل بزرگ جهان سوم»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۸ و ۹.
- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰): «بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- طیبنیا، موسی (۱۳۸۱): «بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز نسبت به فرار مغزها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- فتحی، ابراهیم (۱۳۷۹): «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت و رضامندی مهاجران (مورد مطالعه شهر اسلامشهر)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۱): جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸): «دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و مهاجرت از روستا به شهر»، در لهسایی‌زاده، نظریه‌های مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید، صص ۱۹۰-۱۷۶.

منگلام، ج. ج. و شوارزولر، ه. ک. (۱۳۶۸): «بررسی رهنمودهای نظری برای بنیانگذاری جامعه‌شناسی مهاجرت»، ترجمه سعید کیاکجوری، در لهسایی زاده، نظریه‌های مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید، صص ۱۹۰-۱۷۶.

- Brettel, C. B. and J. F. Hollifield (۲۰۰۰): Eds. *Migration Theory*, Rout ledge, New York, PP: ۴۷-۱۳۵.
- Castels, S. and M. J. Miller (۱۹۹۸): *The Age of Migration*, London, Macmillan, Second Edition.
- Cheng, L. and Ph. Q. Yang (۱۹۹۸): “Global Interaction, Global Inequality, and Migration of the Highly Trained to the United States”, *International Migration Review*, Vol. ۳۲, No. ۳, PP: ۶۲۶-۶۵۳.
- Cooke M. and D. Belanger (۲۰۰۶): “Migration Theories and First Nations Mobility: Towards a Systems Perspective”, *The Canadian Review Of Sociology and Anthropology*, Vol. ۴۲, No. ۳, PP: ۱۴۱-۱۶۴.
- Ellerman, D. (۲۰۰۶): “The Dynamics of Migration of the Highly Skilled: A Survey of the Literature” in Kuznetsov, Y. Eds. *Diaspora Networks and the International Migration of Skills. How Countries Can Draw on Their Talent Abroad*, The World Bank.
- Findly, A. M. and F. L. N. Li (۱۹۹۸): “A Migration Channels Approach to the Study of Professionals Moving to and from Hong Kong”, *International Migration Review*, Vol. ۳۲, No. ۳, PP: ۶۸۲-۷۰۳.
- Frith, S. (۱۹۸۴): *The Sociology of Youth*, Ormsiciric & Causway Press Ltd.
- Garratt, D. (۱۹۹۷): “Youth cultures and subcultures”, In Roche, J. & Tucker, S. (۱۹۹۷), *Youth in Society*, London, Sage Publication, p: ۱۴۳-۱۵۰.
- Hipfel, B., A. Bister and p. Strohmaier (۲۰۰۳): “Youth Identities along the Eastern Border of the European Union”, *journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. ۲۹, No. ۵, pp: ۸۳۵-۸۴۸.
- Hunter, L. M. (۲۰۰۶): “Migration and Environmental Hazards”, *Population and Environment*, Vol. ۲۶, No. ۴, PP: ۲۷۳-۳۰۲.
- Keely, Ch. B. (۲۰۰۰): “Demography and International Migration”, in Brettel, C. B. and J. F. Hollifield, Eds. *Migration Theory*, Routledge, New York, PP: ۴۳-۶۰.
- Koser, Kh. (۱۹۹۷): “Social Networks and the Asylum Cycle: The Case of Iranians in the Netherlands”, *International Migration Review*, Vol. ۳۱, No. ۳, PP: ۵۹۱-۶۱۱.
- Krieg, R. G. (۱۹۹۶): “Occupational Change and Differing Returns to Migration by Gender”, *Journal of Socio- Economics*, Vol. ۲۵, No. ۵, PP: ۵۹۱-۵۹۹.
- Kuznetsov, Y. and Ch. Sabel (۲۰۰۶): “International Migration of Talent, Dispora Networks and Development: Overview of Main Issues” in Kuznetsov, Y. Eds. *Diaspora Networks and the International Migration of Skills. How Countries Can Draw on Their Talent Abroad*, The World Bank.

- Line, N. (۱۹۷۸): *Foundations of Social Research*, New York, McGraw Hill.
- Marshall, G. (۱۹۹۵): Ed: *Dictionary of Sociology*, Oxford, Oxford University Press, Second Edition.
- Nivalainen, S. (۲۰۰۴): "Determinants of Family Migration", *Journal of Population Economics*, Vol. ۱۷, PP. ۱۵۷-۱۷۵.
- Oscamp, S. and W. Schultz (۲۰۰۵): *Attitudes and Opinions*, Lawrence Erlbaum Association Incorporation.
- Parnwell, H. (۱۹۹۳): *Population Movements and the third World*, Routledge, New York.
- Pilkington, H. (۱۹۹۴): *Russians Youth and Its Culture*, London, Routledge.

مشخصات نویسندگان

آقای دکتر بیژن خواجه نوری، استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز است.
خانم مریم سروش، عضو هیأت علمی جهاد دانشگاه فارس می باشند.